

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و ششم، شماره پیاپی ۹۳
پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۵۶-۱۴۱

واکاوی حکم تجری در ادله نقلی*

دکتر سیدمهدی نریمانی

دانش آموخته دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

Email: mybox62@gmail.com

دکتر محمدتقی فخلعی^۱

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: fakhlai@um.ac.ir

چکیده

یکی از مباحث مهم دانش اصول فقه، بررسی حکم تجری از لحاظ حکم عقل است و اصولیان در اینکه تجری حرام است یا نه اختلاف کرده‌اند. تجری در اصطلاح عبارت است از مخالفت عملی با حکم الزامی مولا اعم از واجب یا حرام به اعتقاد انجام‌دهنده؛ درحالی‌که پندار وی برخلاف واقع بوده و در حقیقت مخالفتی صورت نگرفته است. نویسندگان در این جستار پس از بیان حکم عقل نسبت به متجری، به دنبال تشخیص حکم تجری از دیدگاه ادله نقلی برآمده‌اند و پس از بررسی سندی و دلالتی ادله نقلی مربوط به این بحث، دریافته‌اند که از لحاظ نقلی بی‌گمان تجری، عقوبت‌آور نخواهد بود. البته مطابق نظر مشهور در بحث عدالت، شخص متجری، چون دارای ملکه دوری از گناه نیست، عادل نیست.

کلیدواژه‌ها: تجری، روایات، متجری، استحقاق عقاب، عدالت.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۲/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳.

۱. نویسنده مسئول

مقدمه

تجرّی در اصطلاح عبارت است از مخالفت عملی با حکم الزامی مولا اعم از واجب یا حرام به اعتقاد انجام‌دهنده؛ درحالی‌که پندار وی برخلاف واقع بوده و در حقیقت مخالفتی صورت نگرفته است، مانند کسی که آب را به گمان شراب بودن بنوشد، سپس معلوم گردد که آن مایع، آب بوده است نه شراب. (نجفی اصفهانی، وقایع الأذهان، ۴۵۵؛ موسوی بجنوردی، منتهی الأصول، ۳۰ / ۲؛ حکیم، حقائق الأصول، ۱۴ / ۲)

با این تعریف، فرق تجرّی و معصیت حقیقی روشن شد. معصیت اقدام بر مخالفت مولا است که برحسب واقع نیز مخالفت صورت گرفته باشد. برای نمونه در شبهه حکمیه، شخصی گمان می‌کرده است: «غیبت یعنی ذکر کردن عیب مؤمن به نحوی که اگر بشنود ناراحت گردد.» (شیخ طوسی، الأمالی، ۵۳۷) با وجود این، به ذکر عیوب آشکار مؤمنان می‌پرداخته است و هر کجا می‌نشیند، پشت سردیگران، عیب‌هایی از ایشان را یادآوری می‌کند. حال پس از چند سال درمی‌یابد که «غیبت یعنی ظاهر کردن عیب مخفی مؤمن، نزد دیگران.» (خمینی، استفتاءات، ۶۱۹ / ۲؛ استفتاءات جدید، ۲۰۹ / ۱؛ بهجت، جامع المسائل، ۴۶۷ / ۲؛ وحیدخراسانی، توضیح المسائل، ۴۰۲؛ مکارم‌شیرازی، استفتاءات جدید، ۱۵۹ / ۱) برای نمونه در شبهه موضوعیه، شخصی که یقین دارد، برادرش از عیب مخفی علی بی‌اطلاع است، لذا برای گذران وقت مشغول بیان عیوب علی برای برادرش می‌شود، پس از آنکه همه مسائل را بیان کرد، ناگهان متوجه می‌شود که برادرش این عیوب را می‌دانسته است یا اینکه اصلاً علی را نمی‌شناسد!

البته تجرّی به مفهوم لغوی - که عبارت است از جرأت بر مولا؛ خواه در واقع مخالفتی صورت گرفته باشد یا نه - اعم از معصیت است نه مابین با آن. از این عنوان در اصول فقه، مبحث قطع سخن رفته است. (آقاضیاء عراقی، نهایة الأفكار، ۸ / ۳؛ حائری، درر الفوائد، ۳۲۹ / ۲؛ بهاء‌الدین حجتی، حاشیه علی کفایة الأصول، ۱۱ / ۲)

در اصول فقه مباحث زیادی درباره تجرّی مطرح^۱ و محل بحث و اختلاف است،^۲ از جمله اینکه آیا تجرّی عنوانی منطبق بر اراده متجرّی است که در نتیجه از افعال قلبی - به معنای عزم

۱. برای اطلاع از برخی مباحث دیگر در مورد تجرّی، مانند اقسام تجرّی، ثمره نزاع و ...، ر.ک: آقا ضیاء‌الدین عراقی، نهایة الأفكار، ۴۱ / ۳.

۲. آقا ضیاء‌الدین عراقی در این مورد می‌نویسد: وقع العلماء فی باب التجرّی والانقیاد فی حیص و بیص. (آقا ضیاء‌الدین عراقی، مقالات الأصول، ۲۰۷ / ۲)

بر گناه و تصمیم بر مخالفت با مولا همراه با عملی که گناه بودن آن از نظر متجری قطعی است - به شمار می‌رود یا عنوان منطبق بر فعل خارجی است که در نتیجه از افعال جوارحی محسوب شده و به معنای ارتکاب عملی، با اعتقاد به مخالفت آن با مولا است؟ قبح تجری بنابر اول، فاعلی و بنابر دوم، فعلی است و نیز این بحث که آیا قبح عقلی تجری مستلزم حرمت شرعی و استحقاق عقاب است یا نه؟ (آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۱۸۷؛ خوئی، مصباح الاصول، ۱۹/۲)

لازم به یادآوری است، در این نوشتار، چند نکته به عنوان نوآوری مطرح شده است؛ که عبارتند از:

۱. استکشاف حکم عقلی تجری.
۲. بررسی سندی روایات (اعم از موافق یا مخالف عقاب متجری).
۳. طرح حکم وضعی تجری با استناد به روایات صحیح.
۴. بیان آثار شرعی تجری، در صورت قول به عدم کیفر اخروی.

۱. حکم عقل در مسئله تجری

اصولیان در اینکه تجری حرام است یا نه اختلاف کرده‌اند، منشأ اختلاف این است که آیا از سوی شارع، قطع به حکم شرعی به طور مطلق، بر مکلف، حجت قرار داده شده است گرچه مخالفت با واقع باشد که در نتیجه بر مخالفت قطع - هرچند مخالف با واقع - عقاب می‌شود و یا تنها در صورت انطباق با واقع حجت است؟ (ر.ک: شهید اول، القواعد و الفوائد، ۱۰۷/۱)

۱.۱. اقوال در مسأله

در ادامه مشهورترین اقوال در میان اصولیان به شرح ذیل ارائه می‌گردد،^۱ تا ضمن تعیین مقتضای قاعده عقلی، سنجه‌ای برای ارزیابی روایات، در اختیار داشته باشیم، که در صورت تعارض روایات، روایاتی که ما را به حکم عقل ارشاد می‌کنند، مقدم داشته شوند.

(۱) شخص متجری، دارای خبث سریره است و مستحق ملامت می‌باشد، در واقع تجری، مقتضای قبح فاعلی است ولی قبح فعلی ندارد. (شیخ انصاری، فرائد الأصول، ۴۸/۱)

۱. برای اطلاع از دیگر آرای اصولیان در این زمینه ر.ک: حائری، الفصول الغرورية في الأصول الفقهية، ۸۷؛ محمدکاظم خراسانی، نهاية النهایة، ۱۳۷/۱؛ سیدحسین طباطبایی بروجردی، تنقیح الأصول، ۲۷؛ آقا ضیاء‌الدین عراقی، مقالات الأصول، ۲/۴۰؛ همو، نهاية الافکار، ۳/۳۰.

۲) تا وقتی سوء سریره یا حسن سریره، به عنوان صفت کامنه، درون شخص باشد و در خارج، تجلی پیدا نکند، شخص فقط مستحق مدح یا ذم می‌باشد، و اما استحقاق عقاب یا ثواب بر آن مترتب نمی‌شود. اما اگر همراه با آن صفت درونی، شخص درصدد عمل برطبق آن صفت نیز بر آید دو صورت پیدا می‌کند:

یکم: نیت و صفت درونی، به فعلیت نمی‌رسد و به واقع اصابه نمی‌کند، که در این صورت تنها تجرّی و یا انقیاد صدق می‌کند و ثواب و عقاب را به دنبال دارد.

دوم: صفت درونی به فعلیت می‌رسد و شخص، متلبس به فعل می‌شود که در این صورت، عصیان یا اطاعت صدق می‌کند و بدون شک، ثواب و عقاب را به دنبال دارد. (آخوندخراسانی، کفایة الأصول، ۲۹۸)

۳) عملی که مبغوضیت ذاتی ندارد و در واقع حرام نباشد، بدون شک با تجرّی، قبح عقلی و حرمت شرعی پیدا نخواهد کرد. زیرا آن عمل از عنوان واقعی خود به وسیله قطع و یقین خلاف واقعی که متجری پیدا کرده، منسلخ نمی‌گردد. پس متجری گناه کار نیست چون کردارش مصداق گناه نیست؛ اما چون تجرّی از جرأت درونی انسان نشأت گرفته است، اثر قبیح این صفت، در دوزخ صفات نمایان می‌گردد. (خمینی، انوار الهدایه، ۴۶/۱ - ۵۵)^۱

۱.۲. تحقیق در مسأله

برای تشخیص صحیح حکم عقل، لازم است ملاک استحقاق عقاب یا ذم اخروی مشخص گردد، زیرا تبیین این ملاک، در تشخیص حکم عقل، راهگشاست. در واقع پس از درک صحیح ملاک استحقاق عقاب، حکم عقل در استحقاق یا عدم استحقاق تجرّی بهتر روشن می‌گردد.

اگرچه در تعیین ملاک استحقاق عقاب، توسط اصولیان دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است، از جمله اینکه هتک حرمت مولی، ملاک استحقاق عقاب می‌باشد. (ر.ک: آخوند خراسانی، کفایة الأصول، ۲۵۹؛ سید عبدالصاحب حکیم، منتقى الأصول، ۲/۲۳۹؛ محمد حسینی شیرازی، الوصول الی کفایة الأصول، ۳/۲۹۰) اما از آنجا که بحث ملاک استحقاق یابی عقاب، ماهیت کلامی دارد، با مراجعه به اقوال متکلمان شیعه دریافتیم، همگی ایشان متفق‌اند که ملاک استحقاق یابی نسبت به عقاب تنها «ارتکاب قبیح» یا «اخلال به واجب» می‌باشد. (سید عبدالصاحب حکیم، منتقى الأصول، ۲/۲۴۰؛ نور الأفهام فی علم الکلام، سید حسن حسینی لواسانی، ۲/۳۲۲؛ علی محمدی، شرح کشف المراد، ۴۳۳) با توجه به این ملاک، به نظر

۱. برای اطلاع از مبنای این دیدگاه و نقد آن ر.ک: مصطفی خمینی، العوائد و الفوائد، ۲۲ - ۲۸.

می‌رسد، با توجه به اینکه شخص متجری در نفس الامر و واقع مرتکب کار قبیحی نشده است و به واجبی نیز اختلال نرسانده است؛ پس مستحق عقوبت و کیفر نیست. در ضمن خیال او، مغیّر ذات عمل نیست، یعنی گمان وی، فعل غیر حرام را به فعل حرام تبدیل نمی‌کند، پس عقل دلیلی بر عقاب یا مذمت او نمی‌یابد، لذا حکم عقلی در این مسأله، عدم استحقاق یابی متجری نسبت به عقوبت است.^۱

شاید کسی اشکال کند: نفس الامر که در اختیار مکلف نیست، لذا نمی‌تواند متعلق امر و نهی قرار گیرد، پس شخص متجری تا آنجایی که در اختیارش بوده است، تلاش کرده تا گناهی را مرتکب شود، اما به حسب اتفاق و صدفه این تصمیم محقق نشده است. لذا باید او عقاب گردد.

در پاسخ می‌گوییم: در موارد بسیاری همین امور غیر اختیاری، جلوی استحقاق یابی عقاب را می‌گیرد؛ برای مثال، شخصی که قصد سرقت از خانه همسایه را دارد، با وسایل مورد نیاز سرقت، وارد منزل می‌گردد و پس از جمع کردن وسایل، به ناگهان متوجه می‌شود به اشتباه وارد خانه خود شده است! در این مورد، آیا او مجرم شناخته می‌شود؟! یا در بسیاری از موارد، امور غیر اختیاری، باعث استحقاق یابی اشخاص نسبت به پاداش می‌گردد؛ همانند این همه جوایزی که هر روزه به وسیله قرعه کشی، بین مردم توزیع می‌گردد. در محل بحث ما نیز همین عدم تطابق یقین مکلف با واقع، اگرچه در اختیار او نیست، اما جلوی استحقاق یابی او نسبت به عقاب را می‌گیرد.

۲. بررسی ادله نقلی

در ادامه به بررسی روایاتی می‌پردازیم که عقوبت نیست گناه را بیان کرده‌اند؛ لازم به یادآوری است، اهل بیت (ع) کیفر تجری را از دو لحاظ بررسی کرده‌اند؛ نخست از لحاظ حکم تکلیفی و کیفر اخروی و دوم از لحاظ اثر وضعی آن. پس از این به بررسی ادله نقلی، پرداخته‌ایم که برخی گمان کرده‌اند بر استحقاق یابی متجری نسبت به عقوبت، دلالت دارد.

(آ) حکم تکلیفی و کیفر اخروی تجری

۱. شایان ذکر است، اگرچه مذمت و عقوبت دنیوی با یکدیگر متفاوت است، یعنی مذمت به وسیله زبان و عقوبت با عمل، اجرایی می‌گردد، اما در مورد خدا مذمت و عقوبت، یک چیز است. (غروی اصفهانی، نهاية الدراية فی شرح الکفاية، ۳۲۱/۲) برای مطالعه بیشتر رک: آقا ضیاء‌الدین عراقی، مقالات الأصول، ۴۰/۲؛ مصطفی خمینی، العوائد و الفوائد، ۳۲ - ۲۸.

در این قسمت از نوشتار به چهار حدیث صحیح‌السند^۱ اشاره می‌گردد که به حکم تکلیفی و کیفر اخروی تجری پرداخته‌اند:

حدیث نخست: پیامبر(ص): بنده‌ای که نیت ارتکاب گناهی را داشته باشد، اگر آن گناه را انجام ندهد، چیزی بر ضد او ثبت نمی‌گردد. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۶۴/۱۶ ح ۲۰۹۹۱)
حدیث دوم: امام باقر(ع): هر وقت بنده‌ای تنها نیت ارتکاب گناه را بکند، علیه او چیزی نوشته نمی‌شود. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۵۲/۱ ح ۱۰۲)

حدیث سوم: امام باقر یا امام صادق(ع): خدا به خاطر [ارزش] حضرت آدم، نسبت به اولاد او چنین قرار گذاشت که اگر کسی از ایشان، تصمیم به ارتکاب گناهی بگیرد، چیزی بر ضد او ثبت نمی‌شود؛ اما کسی که تصمیم به ارتکاب گناه بگیرد و آن را محقق سازد، برای او کیفر می‌نویسند. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۵۱/۱ ح ۹۸)

حدیث چهارم: امام باقر یا امام صادق(ع): خدا به آدم فرمود: ای آدم! به خاطر [جایگاه تو نزد من] برای اولاد اینگونه مقرر کردم که اگر به ارتکاب گناهی میل پیدا کنند، چیزی علیه ایشان نوشته نشود؛ اما اگر مرتکب گناهی شدند، آن کردار ثبت گردد. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۵۲/۱ ح ۱۰۰)

تقریب استدلال: با توجه به اینکه یکی از شرایط استحقاق یابی عقاب، «تحقق خارجی کردار حرام» است؛ در فرض محل بحث ما که شخص متجری نیت ارتکاب حرام را داشته است ولی نتوانسته به خواسته‌اش، که همان «تحقق خارجی کردار حرام» است، دست یابد؛ کیفر اخروی بر آن مترتب نخواهد شد.

پس «عدم ارتکاب» اعم از این است که مکلف دست از انجام حرام بکشد یا آنکه فعل مزبور در واقع حرام نبوده باشد. یعنی مکلف قصد شرب خمر دارد، در این صورت چند حالت ذیل متصور است:

(۱) شراب واقعی را بنوشد: در این مورد چون مکلف با سوء اختیار، مرتکب حرام واقعی شده است، بی‌گمان مستحق عقاب است.

(۲) شراب واقعی را ننوشد: با توجه به آموزه‌های اسلامی، در این صورت مکلف مستحق عقاب نمی‌باشد؛ زیرا شرط استحقاق یابی برای عقاب، همان «تحقق خارجی کردار حرام»

۱. همه رجال این احادیث، بالاتفاق، امامی و ثقه و جلیل‌القدر هستند. (ر.ک: نجاشی، رجال، مسلسل: ۱۰۲۶؛ ۹۴۶؛ ۲۳۲؛ ۷۱۸؛ ۸۴۱؛ ۱۳۷؛ ۵۶۱؛ ۳۲۸؛ ۱۰۲۶؛ ۹۴۶؛ ۲۳۲؛ ۷۱۷؛ ۳۲۸؛ ۴۶۳)

می‌باشد و در این فرض، این شرط محقق نشده است.

۳) شراب غیر واقعی را بنوشد: با توجه به روایات مطرح شده، در این صورت نیز مکلف مستحق عقاب نمی‌باشد؛ زیرا شرط استحقاق یابی برای عقاب، همان «تحقق خارجی کردار حرام» می‌باشد و در این فرض، این شرط محقق نشده است.

۴) شراب غیر واقعی را ننوشد: با توجه به آنچه پیش از این گذشت، در این مورد نیز مکلف مستحق عقاب نمی‌باشد؛ زیرا شرط استحقاق یابی برای عقاب، همان «تحقق خارجی کردار حرام» می‌باشد و در این فرض، این شرط محقق نشده است.

چنانکه مشاهده می‌کنید، در سه فرض اخیر، چون رفتار حرام، تحقق خارجی نیافته است، نمی‌توان شخص متجری را مستحق عقاب دانست، زیرا شرط معین شده از جانب شارع که همان «تحقق خارجی کردار حرام» می‌باشد، تحقق نیافته است. در ضمن مطابق ملاکی که در علم کلام برای استحقاق یابی نسبت به عقوبت مطرح شده است، «ارتکاب قبیح» یا «اخلال به واجب» نیز این شخص، مستحق ملامت و عقوبت نیست.

ب) اثر وضعی تجری

در این قسمت دو حدیث صحیح السند بیان می‌گردد که برای تجری، اثر وضعی دنیوی ترسیم کرده‌اند، در واقع اگرچه تجری کیفر اخروی، به همراه ندارد ولی برخی آثار دنیوی را به ارمغان می‌آورد که در روایات ذیل به آنها اشاره شده است:

۱. پیامبر(ص): هر کس نیتی داشته باشد، خدا همان را به او باز می‌گرداند، اگر خیر است، بازگشتش خیر است؛ اگر شر باشد، بازگشتش شر است.^۱ (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۷ ح ۱۱۸)

۲. امام صادق(ع): بی‌گمان مؤمن گناهی را در نیت می‌گذراند، در نتیجه از رزق (مادی یا معنوی) او کاسته می‌شود. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۸ ح ۱۲۱)

تقریب استدلال: این دسته از روایات، به اثر وضعی نیت شر و گناه تصریح می‌کند اما به کیفر اخروی آن اشاره‌ای نمی‌کند. متجری نیز چون نیت ارتکاب خلاف شرع را داشته است، این آثار وضعی بر عمل او مترتب می‌گردد اما همه این آثار وضعی، دنیوی هستند و ربطی به کیفر اخروی ندارد.

۱. همه رجال این احادیث، بالاتفاق، امامی و ثقه و جلیل‌القدر هستند. (ر.ک: نجاشی، رجال، مسلسل: ۱۰۲۶؛ ۹۴۶؛ ۲۳۲؛ ۷۱۸؛ ۸۴۱؛ ۱۸۲؛ ۲۷۳)

لازم به یادآوری است، آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ» (اسراء: ۸۶) را نیز می‌توان از آموزه‌هایی دانست که به آثار وضعی تجری پرداخته است، همانطور که شیخ طوسی پس از نقل اختلافات مفسران در تفسیر آیه به این نکته اشاره کرده است: «سزاوار است انسان از خو گرفتن با نیت فاسد دوری کند و نسبت به آن استمرار نداشته باشد، بلکه [اگر ناخواسته هم پیش آمد] سریع از آن بازگردد.» (شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۶/ ۵۱۴)

نکته: بروجردی، در خصوص روایاتی که بر عدم عقاب متجری دلالت می‌کند، می‌نویسد: «اینکه برخی درصدد برآمده‌اند تا با اخباری که عقاب متجری را نفی می‌کند، به عدم استحقاق عقوبت متجری پایبند شوند، فاسد است. زیرا مدلول روایات مزبور، نفی فعلیت عقاب است نه نفی استحقاق عقاب! و این استحقاق یا عدم استحقاق محل بحث ماست.» (حسین علی منتظری، نهاییه الاصول، ۴۱۸)

اما این ادعا، با توجه به روایت موثقی که از امام صادق (ع) نقل شده است، قابلیت احتجاج را از دست می‌دهد؛ حضرت در این زمینه می‌فرماید: «اهل فسق به خاطر نیت گناه، مؤاخذه و کیفر نمی‌شوند، چون خدا عادل و بخشنده است و ستم‌گری در شأن او نیست!»^۱ (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۵ ح ۱۱۳)

در واقع حضرت تصریح می‌کند که مؤاخذه و کیفر افراد به صرف نیت ارتکاب گناه، خلاف عدالت و موافق با ستم‌گری می‌باشد! پس نمی‌توان ادعا کرد این روایات، در مقام نفی فعلیت عقوبت هستند. هم‌چنین مطابق مفاد این حدیث، استکشاف عقلی، مطرح شده توسط برخی اصولیان غلط می‌شود، زیرا مطابق این نقل، امام صادق (ع) مکلفان را به حکم عقل ارشاد می‌کند و متجری را مستحق عقاب نمی‌شمارد. در واقع این حدیث با حکم عقلی عدم استحقاق عقاب متجری، مطابقت دارد و آن حکم عقلی که برخی ادعا کرده‌اند را اشتباه می‌انگارد.

شاید کسی ادعا کند، این حدیث در مقام امتنان صادر شده است؛ اما این ادعا ناصواب است، زیرا ضمن آنکه چنین احتمالی ضمن ناسازگاری با ظاهر فرمایش امام صادق (ع) مبنی بر اینکه مؤاخذه برای نیت سوء را از مصادیق ستم برشمرده‌اند، با مبنای شیعه در حسن و قبح،

۱. اگرچه اکثر رجال این حدیث، بالاتفاق، امامی و ثقه و جلیل‌القدر هستند. (ر.ک: نجاشی، رجال، مسلسل: ۵۷۳؛ ۱۱۸۰) اما «مسعده بن صدقه» از راویان اهل سنت می‌باشد که توسط رجالیان شیعه، توثیق است. (رجال الطوسی، شیخ طوسی، مسلسل: ۱۶۰۹)

نیز متعارض است. لذا باید گفت: حدیث در مقام این است که با زدودن زنگار، همگان را به حکم عقل واقعی راهنمایی کند نه این که با امتنان، مصداقی از مصادیق ظلم را خارج کند. شاید کسی ادعا کند، این حدیث مربوط به خطورات ذهنی است که شخص هرگز جامعه عمل به آن‌ها نپوشانده است. در پاسخ می‌گوییم: با توجه به حکم عقل، مبنی بر عدم استحقاق‌یابی شخص متجری نسبت به عقاب، جایی برای طرح این ادعا باقی نمی‌ماند. با توجه به مفاد موثق مسعده، می‌توان نظر کسانی که برای جمع بین دو دسته اخبار این بحث، خواسته‌اند راه حلی ارائه کنند را نیز مخدوش دانست؛ شیخ انصاری در مقام بیان وجه جمع این احادیث می‌نویسد: «ممکن است روایات دسته نخست [که بر عدم عقاب متجری دلالت دارد] را بر موردی حمل کنیم که خودش، از قصدش بازگشته باشد، اما روایات دسته دوم [که بر عقاب متجری دلالت دارد] را بر موردی حمل کنیم که خودش، از قصدش بازنگشته باشد، بلکه به خاطر موانع خارجی، به مقصودش دست نیافته باشد. ممکن است روایات دسته نخست را بر موردی حمل کنیم که به قصد بسنده کرده است، اما روایات دسته دوم مربوط به کسانی است که پس از قصد، مقدماتی از کار را انجام داده‌اند.» (انصاری، فرائد الاصول، ۱/ ۳۳)

با توجه به موثقه مسعده، این حمل‌ها ناصحیح خواهد بود؛ بلکه همانگونه که در ادامه مطرح می‌گردد، باید روایات متعارض با این دسته را، به خاطر ضعف سندی یا دلالتی کنار بگذاریم و به ارائه چنین وجوهی برای جمع میان دو دسته روایات، نیاز نداریم. (ر.ک: خویی، مصباح الاصول، ۲/ ۲۹؛ احمد قدسی، انوار الاصول، ۲/ ۲۲۸)

لازم به یادآوری است اگر کسی حکم عقلی عدم استحقاق عقاب متجری را نپذیرد و اصرار داشته باشد که عقل به استحقاق عقاب متجری حکم می‌کند، لازم است این دسته احادیث را، به واسطه آنکه مخالف حکم عقل است، کنار بگذارد و یا آن‌ها را به یکی از اشکال ذیل تأویل ببرد: یکم: این روایات به خطورات ذهنی اختصاص دارد. دوم: این روایات امتنانی است.

ج) بررسی ادله نقلی متعارض

در ادامه ادله نقلی که در نگاه نخست، با مفاد روایات فوق‌الذکر متعارض است، اشاره می‌گردد تا در صورت تمامیت این ادله، به چاره‌جویی میان این دو دسته برآیم؛ اما در صورت عدم تمامیت این دسته، از لحاظ سند یا دلالت، به مفاد احادیث دسته نخست، که بر عدم

استحقاق عقاب متجری دلالت داشت، پایبند شویم.

یکم: آیات

برخی اصولیان (ر.ک: انصاری، فرائد الاصول، ۱/ ۴۷؛ آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۲۶۲) با استناد به ظاهر آیاتی از قرآن^۱ خواسته‌اند استکشاف عقلی‌شان را تأیید کنند؛ اما این ادعا با نقدهایی مواجه شده است؛ که در ادامه برخی آنها بیان می‌گردد.

قزوینی در این زمینه می‌نویسد: «این تعابیر (مانند یحبون أن تشیع الفاحشه) از باب تعبیر به لازم است که از آن ملزومش را اراده می‌کنند، برای بلاغت بیشتر!» (قزوینی، تعلیقه علی معالم الاصول، ۳/ ۶۰۸)

فیروزآبادی پس از تبیین بحث چنین می‌نگارد: «در تجری که شخص قطع پیدا کرده که این کار حرام است و قصد آن کار را انجام دهد؛ سپس دریابد که این کار حرام نبوده است، همانند کسی است که از ابتدا قصد ارتکاب حرام نداشته است؛ پس استناد برای این موارد به آیات و روایات مزبور واقعا مشکل است.» (فیروزآبادی، عنایة الاصول فی شرح کفایة الاصول، ۳/ ۲۰)

علامه طباطبایی در توضیح این دسته از آیات، نوشته است: «همه این آیات (بقره: ۲۲۵ و ۲۸۳؛ الاسراء: ۳۶؛ احزاب: ۵؛ نور: ۱۹) دلالت دارند بر اینکه قلوب که مراد از آن، همان نفوس است احوال و اوصافی دارد، که آدمی با آن احوال محاسبه می‌شود ... لازم است دانسته شود که این آیات تنها دلالت دارد بر اینکه محاسبه بر معیار حالات و ملکات قلبی است، چه اظهار بشود، و چه نشود، و اما اینکه جزای آن، در دو صورت اظهار و اخفا یک جور است یا نه؟ و به عبارت دیگر آیا جزا تنها بستگی به تصمیم دارد؟ خواه عمل را هم انجام بدهد یا ندهد؟ و خواه مصادف با واقع هم بشود یا نشود؟ و مثلا کاسه‌ای که شراب تشخیص داده بنوشد، بعد معلوم شود آب بوده، آیه شریفه ناظر به این جهات نیست.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲/ ۴۳۷)

پس با توجه به مطالبی که نقل شد، درمی‌یابیم چنین استظهاری از این آیات، صحیح نمی‌باشد؛ بلکه با تصریح آیات صریحی از قرآن (بقره: ۱۳۹ و ۱۶۷ و ۲۸۶؛ آل عمران: ۳۰؛ طلاق: ۷؛ قصص: ۵۵؛ ملک: ۲؛ هود: ۱۵ و ۱۱۱؛ احقاف: ۱۹؛ زلزله: ۶ تا ۸) مخالفت دارد؛ زیرا در این آیات قرآنی تصریح به «کیفر بر اساس کردار خارجی» شده است! حتی برخی فرازهای

۱. ر.ک: بقره: ۲۲۵ و ۲۸۳؛ اسراء: ۳۶؛ احزاب: ۵؛ نور: ۱۹.

همان آیات مورد استناد عده‌ای از اصولیان، این ادعا را رد می‌کند. (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲/ ۴۳۷)

دوم: روایات

چند روایت در دستة دوم روایات، مطرح شده است؛ که از لحاظ نحوه دلالت بر عقاب متجری، بر دو گونه‌اند:

دستة یکم: این دسته از روایات چنین القاء می‌کند که مطلق نیت شر، شخص را مستحق عقاب می‌کند. در واقع این دسته از روایات بر استحقاق یابی متجری، نسبت به عقاب دلالت دارد چون او نیز نیت سوء داشته است. به عنوان نمونه امام باقر(ع) در پاسخ به این شبهه که چرا دوزخیان در دوزخ و بهشتیان در بهشت جاودانه‌اند، در حالی که اعمال شر و نیک آنها به مقدار چند ده سال بیشتر نبوده است؛ می‌فرماید: «دوزخیان در دوزخ جاودانه‌اند، زیرا نیتشان این بوده است که تا وقتی در دنیا هستند، به معصیت خدا مشغول باشند؛ بهشتیان در بهشت جاویداند چون در ضمیرشان چنین قصد کرده بودند که تا هر زمانی که در دنیا باقی بمانند، به اطاعت خدا پردازند. پس هر گروه به واسطه نیتشان جاودانه هستند.» (حر عاملی، وسائل الشیعة، ۵۰/۱ ح ۹۶)

دستة دوم: مطابق مفاد برخی از روایات، نیت صرف، استحقاق یابی عذاب به همراه ندارد، بلکه به انضمام به گناه، استحقاق عذاب را به همراه می‌آورد. به عنوان نمونه به حدیثی از پیامبر(ص) در این زمینه توجه کنید: «وقتی دو مسلمان، به ناحق روی هم‌دیگر شمشیر بکشند، قاتل و مقتول به آتش جهنم گرفتار می‌شوند.

شخصی پرسید: ورود قاتل به دوزخ، روشن است ولی چرا مقتول به جهنم می‌رود؟ فرمود: چون او نیز قصد داشت مسلمانی را به قتل برساند!» (حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۸/۱۵ ح ۲۰۱۸۴)

بررسی دلالتی: در بررسی دلالتی این دو دسته حدیث، درمی‌یابیم دلیل‌های اقامه شده، از محل بحث بیگانه است، زیرا این احادیث ضمن آنکه با دلیل عقلی اقامه شده، مبنی بر عدم استحقاق یابی متجری نسبت به عقاب، مخالفت دارد، از لحاظ دلالتی نیز مربوط به بحث متجری نمی‌شود. بررسی دلالتی این احادیث به شرح ذیل است:

روایات دستة یکم: اگر قرار باشد به مفاد این دسته احادیث پایبند شویم، لازمه‌اش این است که شخصی که نیت شرب خمر دارد، عقابش با کسی که شراب می‌نوشد برابر باشد! در

حالی که هیچ فقیهی به این معنا ملتزم نشده است. (احمد قدسی، انوار الاصول، ۲/ ۲۲۴) لذا امام باقر(ع) در توضیح این که چگونه ممکن است نیت مؤمن برتر از عملش باشد، می فرماید: «زیرا عمل، گاهی با ریاء همراه می گردد؛ اما نیت [چون درونی است و کسی از آن باخبر نمی شود] خالص است و فقط برای خداوند است.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۳ ح ۱۰۷)

روایات دسته دوم: با بررسی دلالت این دسته از روایات، درمی یابیم که شخصی که مرتکب گناه شده است، ضمن نیت شر، عنوان مجرمانه دیگری را مرتکب شده است که به خاطر آن عنوان مجرمانه مستحق کیفر می شود. برای مثال در حدیثی که بیان شد، مقتول به خاطر آنکه شمشیری به ناحق کشیده است، مستحق کیفر و عذاب شده است. یا در روایات دیگر عناوینی مانند اعانه بر اثم، زمینه ساز استحقاق یابی عقاب می گردد نه صرف نیت شر. (ر.ک: احمد قدسی، انوار الاصول، ۲/ ۲۲۲ - ۲۲۵)

بررسی سندی: با پس از بررسی سندی این دو دسته روایت، در می یابیم که همه این روایات، از لحاظ سندی مخدوش اند^۲ و قابلیت استناد ندارند. با توجه به این مطالب است که اصولیان متأخر، این آیات و روایات را مؤید استکشاف

۲. جهت اطلاع خواننده محترم، تنها به آدرس روایات و مشکل سندی آنها اشاره می گردد:

- (۱) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۴۸ ح ۸۷ [ابو عروه سلمی، مهمل است].
- (۲) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۴۸ ح ۹۲ [احمد بن اسحاق بن عباس و پدرش، مهمل هستند و ابو مفضل نیز اختلافی است. (ر.ک: نجاشی، رجال، مسلسل: ۱۰۵۹)]
- (۳) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۰ ح ۹۵ [ابراهیم بن هاشم، توثیق نشده است؛ برخی مدعی اند نوفلی از غلات بوده است و مهمل می باشد، سکونی هم از فرقه های غیر شیعه پیروی می کرده است. (ر.ک: نجاشی، رجال، مسلسل: ۷۷، ۴۷)]
- (۴) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۰ ح ۹۶ [ابراهیم بن هاشم و احمد بن یونس و ابو هاشم، توثیق نشده اند؛ در ضمن قاسم بن محمد و منقری نیز تضعیف شده اند. (ر.ک: نجاشی، رجال، مسلسل ۸۶۳، ۴۸۸)]
- (۵) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۳ ح ۱۰۷ [حبیب بن حسین، توثیق نشده است و احمد بن صبیح را برخی از زیدیه شمردند و برخی او را شیعه دانسته اند. (ر.ک: نجاشی، رجال، مسلسل: ۱۸۴)]
- (۶) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۳ ح ۱۰۹ [بعض رجالی که حسن بن حسین انصاری از ایشان روایت کرده است، مشخص نیست و این جهل نسبت به راوی، باعث ضعف سند می شود.]
- (۷) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۶ ح ۱۱۴ [علی بن احمد و عبدالرحمن بن کثیر، توثیق نشده اند و ابوالفضل نیز توسط برخی توثیق و توسط برخی تضعیف شده است. (نجاشی، رجال، مسلسل: ۱۰۵۹)]
- (۸) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۷ ح ۱۲۰ [علی بن حفص و علی بن سائج، مهمل هستند و مورد توثیق رجالیون قرار نگرفته اند.]
- (۹) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱/ ۵۸ ح ۱۲۲ [عمرو بن اشعث مهمل است، محمد بن حسن بن شمون و عمرو بن شمر، تضعیف شده اند و جابر بن یزید اگرچه اختلاف است، ولی ظاهراً شخص تقه ای است. (ر.ک: نجاشی، رجال، مسلسل: ۸۹۹، ۷۶۵، ۳۳۲)]
- (۱۰) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲/ ۳۷۶ ح ۳۲۱۶۶ [شعیب بن واقد، مهمل است؛ حسین بن زید نیز توثیق نشده است. (ر.ک: نجاشی، رجال، مسلسل: ۱۱۵)]

عقلی ادعایی، که بر استحقاق‌یابی متجری دلالت داشت، ندانسته‌اند و تصریح می‌کنند که دلیلی در آموزه‌های نقلی بر عقاب متجری وجود ندارد.^۳ (ر.ک: محمدتقی آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۲/ ۱۱۰؛ خویی، موسوعه الإمام الخوئی، ۱/ ۲۵۴، همو، کتاب الاجتهاد والتقلید، ۳۰۲؛ موسوی بجنوردی، منتهی الأصول، ۲/ ۳۸)

نکات پایانی

با توجه به این‌که در روایات صحیح آمده است، شخص متجری، عقاب ندارد؛ چند پرسش مطرح می‌گردد که در ادامه مطرح می‌گردد:

۱. با توجه به بحث تجری، حکمی شرعی نسبت به متجری بار می‌شود یا خیر؟
در صورتی که مطابق مشهور، عدالت را ملکه‌ای بدانیم که انسان را از کارهای منافی مروت (کارهایی که بر بی‌مبالاتی شخص نسبت به دین گواهی می‌دهد) دور نگاه می‌دارد. (ر.ک: یزدی طباطبایی، العروة الوثقی، ۳/ ۱۸۹) در این صورت شخص متجری، عادل نیست؛ لذا اموری که عدالت در آنها شرط است (مانند: تصدی امور ولایی، امامت جمعه و جماعت) را نمی‌تواند بر عهده بگیرد، چون در تجری، بی‌مبالاتی ورزیده است. (خویی، کتاب الاجتهاد والتقلید، ۳۰۲)

۲. با توجه به عدم عقوبت اخروی تجری، آیا نمی‌توان، حکم تکلیفی برای فعل تجری مطرح کرد؟

با توجه به دلیل عقل، این شخص استحقاق عقاب ندارد؛ لازمه این حکم عقلی آن است که عمل تجری حتی استعداد کراهت را نیز نداشته باشد.

نتیجه‌گیری

اگرچه اصولیان در تأسیس قاعده عقلی در بحث تجری و ابعاد آن اختلاف کرده‌اند؛ اما به نظر نویسندگان، از لحاظ عقل و نقل بی‌گمان تجری، عقوبت‌آور نخواهد بود؛ زیرا به تصریح روایات، عقوبت بندگان، به خاطر نیت گناه، «ستم‌گری» است و از آنجا که شخص متجری تنها

۳. برای اطلاع از برخی احادیث دیگر که در این زمینه استدلال شده است، ر.ک: علی روزدری، تقریرات آیه الله المجدد الشیرازی، ۳/ ۲۹۷؛ آقا ضیاء‌الدین عراقی، مقالات الأصول، ۲/ ۴۲؛ سید کاظم حائری، القضاء فی الفقه الإسلامی، ۲۰۴؛ کاظمی خراسانی، فوائد الأصول، ۳/ ۵۰؛ سیدمحمدباقر صدر، فدک فی التاریخ، ۱۹۳.

خطایش همین نیت ناپاکش است، مطابق آموزه‌های روایی باید به این مسأله اذعان کرد که شخص متجری، مستحق عقوبت اخروی نخواهد بود.

البته دسته‌ای از روایات، بر این نکته دلالت دارند که نیت شرّ و گناه، دارای آثار وضعی در این دنیاست، متجری نیز چون نیت ارتکاب خلاف شرع را داشته است، این آثار وضعی بر عمل او مترتب می‌گردد اما همه این آثار وضعی، دنیوی هستند و ربطی به کیفر اخروی ندارد. لازم به یاد است اگرچه برخی خواسته‌اند، میان روایات صحیح‌های که بر عدم استحقاق کیفر متجری دلالت دارد با روایات ضعیف‌السندی که بر استحقاق عقوبت متجری دلالت دارد، جمع نمایند، اما با توجه به موثق مسعده، این حمل‌ها ناصحیح خواهد بود، بلکه باید روایات غیر صحیح را، به خاطر ضعف سندی یا دلالتی کنار بگذاریم و به مفاد احادیث صحیح، که عدم استحقاق متجری است، پایبند شد.

البته اگر کسی حکم عقلی عدم استحقاق عقاب متجری را نپذیرد و اصرار داشته باشد که عقل به استحقاق عقاب متجری حکم می‌کند، لازم است احادیث صحیح را، به واسطه آنکه مخالف حکم عقل است، کنار بگذارد و یا آن‌ها را به یکی از اشکال ذیل تأویل ببرد: یکم: این روایات به خطورات ذهنی اختصاص دارد. دوم: این روایات امتنانی است.

به نظر نویسندگان با توجه به مفاد ادله نقلی و عقلی، تنها حکمی که بر تجری می‌توان حمل کرد، این است که طبق نظر کسانی که عدالت را «ملکه دوری از بی‌مبالاتی» می‌دانند، شخص متجری چون دارای ملکه دوری از گناه نیست، نمی‌تواند عادل باشد.

منابع

قرآن کریم.

- انصاری، مرتضی بن محمد امین، *فوائد الأصول*، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۱ق.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، *نهایة النهایة*، نسخه خطی، مکتبه اهل‌البيت (ع).
- _____، *کفایة الأصول*، قم، آل‌البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
- آملی، میرزا محمدتقی، *مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی*، تهران، مؤلف، ۱۳۸۰ق.
- بجنوردی، حسن، *منتهی الأصول*، نسخه خطی، مکتبه اهل‌البيت (ع).
- بهجت، محمدتقی، *جامع المسائل*، قم، دفتر معظم‌له، ۱۴۲۶ق.
- تبریزی، جواد، *استفتاءات جدید*، دفتر معظم‌له، قم، بی‌تا.
- حائری، عبدالکریم، *درر الفوائد*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.

- حائری، سید کاظم، *القضاء في الفقه الإسلامي*، قم، مجمع الفكر الإسلامي، ۱۴۱۵ق،
- حائری، محمد حسین، *الفصول الغروية في الأصول الفقهية*، قم، دار احیاء العلوم الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
- حجتی، بهاء الدین، *حاشیة علی کفایة الأصول*، قم، أنصاریان، ۱۳۸۳.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- حسینی لواسانی، سید حسن، *نور الأفهام فی علم الکلام*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۵ق.
- حسینی فیروزآبادی، سید مرتضی، *عناية الأصول*، قم، فیروزآبادی، ۱۳۸۵.
- حسینی شیرازی، محمد، *الوصول إلى کفایة الأصول*، قم، دارالحکمه، ۱۴۲۶ق.
- حکیم، سید عبدالصاحب، *منتقى الأصول*، قم، الهادی، ۱۴۱۶ق.
- حکیم، سید محسن، *حقائق الأصول*، قم، بصیرتی، ۱۴۰۸ق.
- خمینی، روح الله، *لمحات الأصول*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱ق.
- _____، *استفتاءات*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ق.
- _____، *أنوار الهدایة فی التعلیقة علی الكفایة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵ق.
- خمینی، مصطفی، *العوائد و الفوائد*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.
- خویی، ابوالقاسم، *مصباح الاصول*، مقرر محمد سرور واعظ الحسینی، قم، داورى، ۱۴۲۰ق.
- _____، *کتاب الاجتهاد والتقلید*، قم، صدر، ۱۴۱۰ق.
- _____، *موسوعة الإمام الخوئی*، قم، مؤسسه إحياء آثار امام خوئی، ۱۴۱۸ق.
- روزدري، علي، *تقریرات آية الله المجدد الشیرازی*، قم، آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، *القواعد و الفوائد*، قم، کتابفروشی مفید، بی تا.
- صدر، محمد باقر، *فدک فی التاريخ*، بی جا، مرکز الغدير للدراسات الإسلامية، ۱۴۱۵ق.
- طباطبایى بروجردی، حسین، *تنقیح الأصول*، نجف، حیدریه، ۱۳۷۱ق.
- طباطبایى، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الأمالی*، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
- _____، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
- _____، *رجال الطوسی*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- عراقی، ضیاء الدین، *مقالات الأصول*، قم، مجمع الفكر الإسلامي، ۱۴۲۰ق.
- _____، *نهاية الأفكار*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- غروی اصفهانی، محمد حسین، *نهاية الدرایة فی شرح الكفایة*، محقق: مهدي أحدي و أمير کلائی، قم، سید الشهداء (ع)، ۱۳۷۴.

- قدسی، احمد، *انوار الاصول*، قم، مدرسة امام علی بن ابی طالب (ع)، ١٤٢٤ق.
- کاظمی خراسانی، محمدعلی، *فوائد الأصول*، تعلیق: آغا ضیاءالدین عراقی، تحقیق: رحمت الله اراکي، قم، نشر اسلامی، ١٤٠٦ق.
- محمدی، علی، *شرح کشف المراد*، قم، دار العلم، ١٣٩٠.
- مکارم شیرازی، ناصر، *استفتاءات جدید*، قم، مدرسة امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ١٤٢٧ق.
- منتظری، حسین علی، *نهاية الأصول*، قم، حکمت، ١٣٧٥.
- موسوی قزوینی، سیدعلی، *تعلیقہ علی معالم الأصول*، قم، نشر اسلامی، ١٤٢٢ق.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، نشر اسلامی، ١٤١٦ق.
- نجفی، محمدتقی، *نهاية الأفكار*، قم، نشر اسلامی، ١٤٠٩ق.
- نجفی اصفهانی، محمد رضا، *وقاية الأذهان*، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ١٤١٣ق.
- وحید خراسانی، حسین، *توضیح المسائل*، قم، مدرسة امام باقر (علیه السلام)، ١٤٢٨ق.
- یزدی، محمد کاظم بن عبدالعزیز، *العروة الوثقی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٩ق.